قرآن نازل می شد و ما عزل (جلوگیری طبیعی) می کردیم. سفیان می گوید: اگر از این کار نهی می شد، قرآن ما را از آن نهی می کرد.

از جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت است که می گوید: قرآن نازل می شد و ما عزل (جلوگیری طبیعی) می کردیم. سفیان می گوید: اگر از این کار نهی می شد، قرآن ما را از آن نهی می کرد.
[صحیح است] [متفق علیه]

جابر بن عبدالله رضی الله عنهما خبر می دهد که آنها در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم وقتی با همسران و کنیزان شان همبستر می شدند، جلوگیری طبیعی می کردند؛ و رسول الله صلی الله علیه وسلم این مساله را تایید نمود؛ و اگر این کار مباح نمی بود، آن را تایید نمی کرد. گویا به جابر گفته شده: شاید خبر این کارتان به رسول الله صلی الله علیه وسلم نرسیده است؟ پس می گوید: اگر خبر آن به ایشان نرسیده، الله متعال که از آن آگاه بوده و قرآن نازل می شد؛ و اگر از موارد ممنوع بود، قرآن از آن نهی می کرد. و شارع با عدم نهی از آن، این کار را تایید نمی کرد. جمع بین نصوص؛ حدیث جابر بر جواز جلوگیری طبیعی دلالت دارد اما احادیث دیگری وارد شده اند که از آنها عدم جواز عزل یا همان جلوگیری طبیعی فهمیده می شود؛ مثل روایت جذامه بنت وهب در صحیح مسلم که می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان مردمانی حضور یافت که از او در مورد عزل سوال کردند؛ فرمود: «ذَلِكَ الْوَأْدُ الْخَفِيُّ»: «این کار زنده به گور کردن پنهان است». سوال این است که چگونه می توان بین این نصوص جمع نمود؟ پاسخ این است که: اصل مباح بودن عزل می باشد چنانکه در حدیث جابر و ابوسعید رضی الله عنهما وارد شده است؛ و حدیث جذامه بر حالتی حمل می شود که قصد فرزند نداشتن و پرهیز از بارداری برای همیشه وجود داشته باشد و اینکه می فرماید: «این کار زنده به گور کردن پنهان است» بر این مساله دلالت دارد. یا اینکه عزل مکروه است و حرام نیست.

http://sunnah.global/hadeeth/fa/show/6084